info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام

شماره ۲۶۱۳
یکشنبه / ۸ مهر / ۱۴۰۳
۲۵ / ربیع الاول / ۱۴۴۶
29 / September / 2024

صاحب امتیاز: موسسه همگانان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: زهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۴ - ۲۶- فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

فیضِ روحُ‌القُدُس ار باز مدد فرماید
دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد
گفتمش سلسله زلف بُتان از پی چیست
گفت حافظ گله‌ای از دلِ شیدا می‌کرد

خوانده

نکشد زیر زمین وحشت تنهایی‌را
هر که در روی زمین خوی به وحدت گیرد

صائب تبریزی

اذان گرج — اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۳۵	۰۶:۰۰	۱۱:۵۶	۱۷:۵۰	۱۸:۰۹

برگه

در پایان، تعداد سال‌های زندگی‌تان اهمیتی ندارد؛ آنچه مهم است، زندگی جاری در خلال این تعداد سال‌هاست...

آبراهام لینکلن

گزارش روز

خون و خشونت در ناکجا آباد

سریال‌های جدید ایرانی، در اغلب موارد هیچ نسبت معناداری با جامعه امروز ایران برقرار نمی‌کنند و در یک انزوای مطلق اتفاق می‌افتند. انگار کارگردان تصمیم گرفته‌اند مخاطب را در زمان تماشای سریال‌های شبکه نمایش خانگی یا ترکیبی از سریال‌های ترکی و آمریکایی بنشانند- و این آسیب اصلی و پاشنه آشیل سریال‌های پلتفرم‌هاست- و اتفاقا به دلیل همین بی‌ارتباطی با جامعه هم هست که باعث می‌شود نهادهای ناظر موارد عبور این آثار از خطوط قرمز پرشمار عرصه تصویر و نمایش را با دیده اغماض نگریسته و چشم بر این موارد ببینند!

به گزارش پیام آشنا به نقل از شهروند، «لاخرج بعد از پایان «زخم کاری» محمدحسین مهدویان، با آغاز انتشار دو سریال جدید «گردن‌زنی» و «هزارند» فضای شبکه نمایش خانگی در اختیار آثاری جدید قرار گرفته است- که- در کنار سریالی مانند «داریوش» که پخش‌اش چند هفته‌ای است که آغاز شده و البته تتمه تاثیرات باقی‌مانده از «زخم کاری ۹۳»- فضایی خشن، خونین و ناکجاآبادی را بر این شبکه حاکم ساخته‌اند. سریال‌هایی که به شکل غریبی ویژگی‌هایی مشترک دارند و شباهت‌هایی آشکار و نهان آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد. آثاری به شدت خشن، ملالهار از نوعی خشونت عریان و بی‌پرده، که جز زبان فارسی، هیچ چیز دیگری ندارند که نشان دهد در جغرافیایی به نام ایران تولید شده‌اند. جوری که انگار تماشاگر در زمان تماشای این آثار به ضیافتی دعوت می‌شود که عامدانه نه آدم‌هایش، نه دغدغه‌های آدم‌هایش، نه ماجراهایی که رخ می‌دهد، نه جغرافیایی که دلستان‌هایی سریال‌ها را میزبانی می‌کند، و نه حتی ظاهر و سروشکل آدم‌هایش هیچ‌کدام (البته دقیقا در گفته‌ها: هیچ‌کدام) رنگ‌وبویی از ایران ندارند- و در مواجهه با چنین وضعیتی این که هم‌چنان تولید می‌شوند و مورد استقبال هم قرار می‌گیرند، جای تعجب دارد!

گردن‌زنی

یکی از دو سریال جدید شبکه نمایش خانگی- که در کنار سریال «داریوش» روی پلتفرم فیلم‌نت قرار گرفته- «گردن‌زنی» است. یک درام جنایی به یک کارگردانی سامان سالور و بازی بازیگرانی چون رویا نونهالی، الهام پاوه‌نژاد، حسن معجونی، پوریا رحیمی، مهدی حسینی‌نیا، مهران غفوریان، بهنام تشکر، الیکا ناصری، کیسان دیباج و امین شعرباف که با این که بواسطه قصا و داستان جذابی که تعریف می‌کند، در چند قسمت آغازین در قداختن قلاب مناسب برای جذب مخاطب موفق بوده؛ اما از این رو که هیچ رنگ‌وبویی از زندگی و جغرافیای ایران در خود ندارد، انتقاداتی را نیز موجب شده است. به‌خصوص به خاطر خشونت عریان و بی‌پرده‌ای که به موازات روایت داستان قتل وحشیانه یک زوج جوان- ظاهرا برگرفته از رویدادی واقعی- به نمایش می‌گذارد.

بازنده

«هزارند» اما به عنوان دیگر سریال جدید شبکه نمایش خانگی دست‌کم پیش از این که جاهبتد و تماشاگرانی وفادار به دست آورد، از جذابیتی همپا و همسان با «گردن‌زنی» بهره‌مند نیست. این سریال به کارگردانی امین حسین‌پور- که پیش از این تنها سریال «مرمانگ» را در کارنامه‌اش داشته- نه از نظر انتشار کارگردان در حد و اندازه «گردن‌زنی» است و نه بازیگرانش- متشکل از سارا بهرامی، علیرضا کمالی، صابر ابر، صدف اسپهبدی، رویا جلوه‌نیا و پیمان قاسم‌خانی- جز سارا بهرامی و تا حدی هم پیمان قاسم‌خانی در حد و اندازه ترکیب پرستاره اولین سریال کارنامه سامان سالور هستند. با این حال به نظر می‌رسد «هزارند» برای جلب توجه مخاطبان روی فضای جنایی و رازآلودش تکیه کرده و بر آن است با استفاده از خلا موجود در زمینه سریال‌های جنایی و کارآگاهی جایی برای خود در این حیطه باز کند.

جای خالی ایران

نکته مهم درباره هر دوی این سریال‌های جدید، اما، فضای خشن، خونین و ناکجاآبادی است که بر آن‌ها حاکم است. سریال‌هایی که با این که به ظاهر از نظر فضای کلی روایت، طبقه اجتماعی کاراکترها و دلستان‌هایی که تعریف می‌کنند، تفاوت‌هایی با هم دارند، اما به شکل غریبی ویژگی‌هایی مشترک دارند و شباهت‌های آشکار و نهان بسیاری آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد. دو سریالی که حداقل در دو قسمت آغازین به شدت غیرایرانی و حتی ناکجاآبادی از کار درآمده‌اند- که این ویژگی مشترک در «هزارند» به دلیل فضای نوار سریال ایجاد شده که بدون این که ربطی به پلیس‌ها و فضای انتظامی و البته زیست اجتماعی این آبوخاک داشته باشد، انگار از یک فیلم اروپایی استخراج شده و در این سریال به کار رفته است؛ و در «گردن‌زنی» نیز سنگینی اصلی بار غیرایرانی بودن سریال بر دوش خشونت عریان و بی‌پرده سریال است و البته آدم‌هایی که انگار نه از نظر طبقه و زیست اجتماعی، نه از نظر احساسی و اقتصادی و نه حتی از نظر ظاهر زندگی شباهتی حتی قدک به آدم‌هایی که همه‌سال در دور و برمان به وفور دیده‌ایم، ندارند. این‌ها همه باعث شده «گردن‌زنی» و «هزارند» جز زبان فارسی، هیچ چیز دیگری نداشته باشند که نشان دهد در جغرافیایی به نام ایران تولید شده‌اند. جوری که انگار تماشاگر در زمان تماشای این آثار به ضیافتی دعوت می‌شود که عامدانه نه آدم‌هایش، نه دغدغه‌های آدم‌هایش، نه ماجراهایی که رخ می‌دهد، نه جغرافیایی که دلستان‌هایش روی فضای جنایی و کارآگاهی جایی برای خود در این حیطه باز کند.

وصف‌العیش...

بسیاری بر این باورند که بی‌طبقه بودن آدم‌های سریال‌های شبکه نمایش خانگی- و این واقعیت که آن‌ها در خانه‌های زندگی می‌کنند و ماشین‌هایی سوار می‌شوند و روابطی دارند که حتی شاید در میان یک درصد از جامعه حال حاضر کشورمان هم دیده نشود- ریشه در این باور در میان سازندگان آثار دارد که نشان دادن چیزهایی که تماشاگر عادی از داشتن آن‌ها محروم است، طبق قاعده دیرینه «وصف‌العیش، نصف‌العیش» می‌تواند باعث جلب و جذب این تماشاگران محروم به چنین آثاری شود. به خصوص که صداوسیما به واسطه فضایی که بر آن حاکم است، به کارگردانان اجازه نمی‌دهد سراغ بسیاری از سوژه‌ها و دلستان‌ها و فضاها بروند و بنابراین پلتفرم‌های اینترنتی که فضای بازتری دارند، جور این کمبود را می‌کشند و می‌روند سراغ پر کردن سریال‌ها از چیزهایی که امکان نمایش آن‌ها در صدا و سیما وجود ندارد و از این طریق چشمان حسرت‌زده بخش زیادی از مردم را سیراب می‌کنند.

اگر سریالی مانند «گردن‌زنی» را از این نظر مروری حتی گذرا کنیم، از وجود این همه خلقه درنشدت شبکه، این همه ماشین لوکس، برگزاری عروسی میلیارد تومانی و لاکچری، لباس‌های مد روز و تمام چیزهایی که دلشان آن‌ها برای بیشتر مردم حسرت است، عیان می‌شود. این را البته در روابط، مناسبات و نحوه برخورد آدم‌ها با یکدیگر نیز می‌بینیم- که انگار تنها و تنها به این دلیل که از نظر نگاه رسمی ناپسند به شمار می‌آیند، تماشاگران را به خود جلب می‌کنند.

نیوبورک در ناف تهران!

با این حال مشکل حتی اساسی‌تر بیشتر سریال‌های شبکه نمایش خانگی، نه نمایش تجملات، بلکه این واقعیت است که این سریال‌ها در هیچ سطحی کمترین نسبتی با جامعه ایران ندارند. بیایید فقط و فقط همین قسمت اول «گردن‌زنی» را مرور کنیم؛ سریال با یک مراسم عروسی میلیاردی آغاز می‌شود که پر است از مردان و زنانی که حتی آن یک دست لباسی هم که بر تن دارند، از بخش زیادی از زندگی مخاطبان سریال گران‌تر است. این زنان و مردان در همین قسمت اول سوار ماشین‌های شیک و مدل بالا می‌شوندو در کل جوری زندگی می‌کنند که اکثر مردم ایران قادر به آن نیستند- که این خود نشان می‌دهد این سریال نسبتی با جامعه ایران ندارد.

اما مهمتر از آن روابط و مناسبات سریال است. این طبقه و نوع مناسباتی را که در قسمت اول در خانواده‌ها می‌بینیم، چند درصد از جامعه ایران به چشم دیده‌اند؟ این رفتارها و مناسبات ماجرایی متعلق به کدام طبقه اجتماعی است؟ اصلا بیاید ریزتر شویم: چند درصد از مردم ایران مانند یکی از برادران عروس در این سریال زندگی‌شان از راه حضور در مسابقات زیرزمینی سیانی خودرن تامین می‌شود؟ شما در زندگی‌تان حتی یک مامور نیروی انتظامی ایرانی دیده‌اید که شبیه پلیس این سریال باشد و مثلا با اتومبیل شیک و لوبوزی که زیر پایش است، وقتش را در پیست‌های اسکی سپری کند؟ چند درصد از پلیس‌های ایرانی شبیه این پلیس هستند؟ اصلا چرا راه دور بروید؛ چرا خلافکاران این سریال شبیه آن خلافکارها و موافروش‌هایی که در عین حال، او بار دیگر ادعای تکراری مقام‌های ارشد اسرائیلی را در زمان هایی که به بحران دچار می‌شوند هم مطرح کرد و کلیه اعتراضات علیه اسرائیل و جنایات آن را القدامانی در راستای "یهودی‌ستیزی" توصیف کرد. به بیان ساده‌تر، نتانیاهو با مصاف قرار دادن رژیم اشغالگر قدس با یهودیت و نه ایدئولوژی صهیونیسم- سعی کرد از مخالفان اسرائیل و جنایاتش مشروعیت‌زدایی کند. جالب اینکه نتانیاهو در شرایطی که رژیم اشغالگر قدس موجب به شهادت رسیدن بیش از ۴۰ هزار غیرنظامی و زخمی و مفقود شدن هزاران تن دیگر در جنگ غزه شده و صدها نفر نیز در جریان تشدید تجاوزات این رژیم به لبنان به شهادت رسیده و مجروح شده‌اند از استانداردهای دوگانه و مغرضانه نهادهای بین‌المللی در محکوم سازی این قبیل جنایات صهیونیست‌ها صحبت کرد! البته که این جنس از موضع‌گیری‌ها از سوی نتانیاهو صرفا با هدف مشروعیت‌بخشی به جنایات اسرائیل صورت می‌گیرند.

نکته دوم اینکه همسو با برخی پیش‌بینی‌ها نتانیاهو بار دیگر تهدیدآمیزی را علیه ایران مطرح کرد. وی تاکید کرد که به ایران این پیام را می‌دهد که "اگر این کشور به اسرائیل حمله کند و منافع آن را هدف قرار دهد، هیچ مکانی در ایران نیست که دست اسرائیل به آن نرسد، موضوعی که در مورد کل خاورمیانه هم صدق می‌کند".

این موضع گیری نتانیاهو را نیز بایستی در راستای سلسله مواضع وی ارزیابی کرد که هدف اصلی و محوری آن‌ها احیا تصویر توام با قدرت اسرائیل در عرصه بین‌المللی است. صهیونیست‌ها به خوبی می‌دانند که ماجراجویی علیه ایران، صورت حساب‌های سنگینی را روی دست آن‌ها قرار خواهد داد. از این رو، نتانیاهو طبق معمول و سنت چند ساله اخیر خود که در قدرت حضور دارد، بار دیگر دست به تهدید کشورمان زد و تصاویری را نیز نشان داد که در آن‌ها ایران حضور داشت و ادعاهای پوچی را علیه کشورمان مطرح کرد.

نتانیاهو بارها اعلام کرده که اصلی‌ترین تهدید علیه اسرائیل را ایران می‌داند. از این رو، وی در سال‌های گذشته هر مرتبه که در نشست سالانه سازمان ملل شرکت کرده، به نحوی ویژه معطوف به ایران بوده است و موضع گیری‌های جدید وی علیه کشورمان هم به هیچ عنوان عجیب نبود. در نهایت باید گفت که نتانیاهو در زمان آغاز سخنرانی خود به نحو گسترده ای از سوی برخی حضار جلسه سازمان ملل هو شد و شمار قابل ملاحظه ای از نمایندگان کشورها نیز در زمان سخنرانی نتانیاهو سالن مجمع عمومی را در نشانه اعتراض به جنایات صهیونیست‌ها ترک کردند. جالب اینکه نتانیاهو به عدم حضور نماینده عربستان در جلسه مجمع عمومی نیز اشاره داشت. فردی که سال قبل و در سخنرانی پیشین نتانیاهو که قبل از حمله این رژیم به غزه انجام گرفت، در زمان سخنرانی نتانیاهو در سالن مجمع عمومی سازمان ملل حاضر شد. این موضوع نشان می دهد پروژه عادی سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی و اسلامی با بن‌بست سختی روبه رو شده و البته که در سطح بین المللی نیز ژئوای سنگینی به دشمن اسرائیلی تحمیل شده است.

برش

چالش‌های مادران شاغل دوگانه شغل و فرزند

درعصرحاضر، مادران شاغل با دو مسئولیت روبه‌رو هستند؛ یکی در محل کار و دیگری در خانه. این وضعیت، بار سنگینی را بر دوش آنها می‌گذارد و بر کیفیت پیوند عاطفی آنها با فرزندان تأثیر می‌گذارد. فاطمه شجاعی، فعال حوزه زنان و خانواده معتقد است که برای مقابله با این چالش‌ها، باید جهت‌گیری‌ها برای استقلال اقتصادی زنان به صورت بنیادی تغییر کند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایرنا، در این میان، مسئله تأثیر شاغل بودن مادران بر تربیت و رشد عاطفی فرزندان به یکی از موضوعات بحث‌برانگیز تبدیل شده است. در جامعه‌ای که حضور زنان در محیط‌های کاری گسترده‌تر از گذشته شده، برخی معتقدند که شاغل بودن مادران ممکن است زمان کمتری برای ارتباط عاطفی و تربیتی با فرزندان فراهم کند و بحلوبر بالقوه بر رشد عاطفی، تربیتی و روان‌شناختی آنها تأثیر منفی بگذارد. از سوی دیگر، برخی تحقیقات نشان داده‌اند که مشاغل بودن مادران می‌تواند الگوهای مثبتی از استقلال، مسئولیت‌پذیری و موفقیت را به فرزندان منتقل کند. در این زمینه، فاطمه شجاعی، پژوهشگر و فعال حوزه زنان و خانواده به ارائه توضیحاتی می‌پردازد.

استقلال اقتصادی زنان: انتخابی آگاهانه یا تحمیلی؟

فاطمه شجاعی، پژوهشگر و فعال حوزه زنان و خانواده در رابطه با تأثیر اشتغال زنان بر تربیت و رشد عاطفی فرزندان معتقد است که استقلال اقتصادی حقی مسلم برای هر زن است. حقی که با نقش مادری از بین نمی رود و او می‌گوید: «ما باید مسیر درست را طی کنیم؛ به جای اینکه زن‌ها را به فعالیت در بازار کار تشویق کنیم، ساز و کار اجرایی و عملیاتی برای حقوق مالی زنان مرایام پرداخت شود حق ارث زنان و... در نظر بگیریم. این ساز و کار مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های جامعه و قوانین کشور به زنان کمک می‌کند تا در کنار دستیابی به استقلال اقتصادی و رشد و توسعه فردی، نقش‌های جنسیتی مانند مادری و همسری را به خوبی ایفا کنند و همزمان به فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی و سایر عرصه‌ها نیز بپردازند.»

شجاعی تأکید می‌کند که اشتغال تمام وقت، مخصوصاً برای مادران، در برخی موارد می‌تواند چالشی برای تربیت فرزندان ایجاد کند، چرا که شغل تمام وقت زمان زیادی را از مادران می‌گیرد. با این حال، او به اشتغال به عنوان یک تحمیل اجتماعی نیز اشاره دارد و می‌گوید: «در بسیاری از موارد، اشتغال به جای اینکه یک انتخاب برای زنان باشد، به عنوان راهی برای کسب استقلال مالی به زنان تحمیل می‌شود. این مسئله زمانی را که می‌خواهند با حفظ حق استقلال مالی به امور خانواده و فرزندان خود نیز بپردازند، بر سر دو راهی انتخاب سخت قرار می‌دهد، اغلب زنان با دچار فشار نقشی هستند یا با انتخاب یکی از این دو و محرومیت از حق دیگر مواجه می‌باشند.»

او معتقد است که اشتغال زنان نباید به عنوان یک الزام در زندگی آن‌ها تلقی شود، بلکه باید به عنوان یک انتخاب آزاد و آگاهانه در نظر گرفته شود؛ انتخابی که بر اساس علاقه، فرصت و شرایط فردی باشد، نه تنها برای کسب درآمد و تأمین هزینه‌های زندگی. البته، این موضوع در مورد زنانی که خودسرپرست یا سرپرست خانوار هستند، شرایط متفاوتی دارد.

ایسن فعال حوزه زنان همچنین به بحث تربیت فرزندان در بستر خانواده‌های شاغل می‌پردازد و اظهار می‌کند: «برخی معتقدند شاغل بودن مادران باعث افزایش اعتماد به نفس و استقلال فرزندان می‌شود و برخی دیگر به مشکلات عاطفی و تربیتی اشاره دارند. اما اگر به نظم و چینش نقش‌ها در خانواده از منظر اسلام برگردیم، خواهیم دید که مسئولیت مراقبت از فرزندان، تر و خشک کردن آنان و انجام امور منزل به شکلی که امروز رایج است لزوماً بر عهده مادران نبوده و این نقش‌ها به «نظام دایگی» سپرده می‌شد. نکته مهمی که نباید مورد غفلت قرار بگیرد و نقش تعیین کننده‌ای در نظم خانواده و سبک زندگی دارد، قوانینی حمایتی برای تقویت نقش «قوامیت مردان» در خانواده است؛ نیاز به سازو کارهای قانونی و فرهنگی داریم که استقلال اقتصادی زنان را تضمین کند به گونه‌ای که این استقلال در چارچوب نقشی که مردان در خانواده به عنوان قوام دارند، قرار گیرد.»

شجاعی تأکید می‌کند که زنان باید آزادی انتخاب داشته باشند؛ اینکه بخواهند شاغل باشند/شغلی به معنای حضور در ساعات معین در محل کار و کسب درآمد) یا به خانه‌داری بپردازند. نباید اجباری یا تحمیلی برای آنها رخ بدهد. او می‌گوید: «اینکه یک زن بخواهد شغلی داشته باشد و درآمدی کسب کند؛ یا خانه‌دار باشد و به امور خانواده و فرزندان بپردازد و در کنار آن فعالیت اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی داشته باشد؛ انتخاب خود اوست و نباید با نادیده گرفتن حقوق مالی زن خصوصاً در ایام زوجیت، زنی مجبور به انتخاب شغلی برای تامین مالی خود باشد.»

توانمندسازی زنان: راهی برای تقویت پیوند عاطفی مادر و فرزند

در دنیای امروز، بسیاری از مادران علاوه بر مسئولیت‌های خانوادگی، وظایف شغلی نیز بر عهده دارند. این مسئله، زنان را برای تعامل با فرزندانشان محدود کرده و ممکن است به چالش‌هایی در برقراری ارتباط عاطفی منجر شود. با این وجود، کیفیت رابطه میان مادران شاغل و فرزندان، تنها به میزان زمان سپری شده با یکدیگر بستگی ندارد، بلکه به نحوه استفاده از این زمان و ایجاد تعاملات مثبت و سازنده مرتبط است. با توجه به فشارهای ناشی از کار و خانه، یافتن راهکارهایی برای تقویت پیوند عاطفی میان مادران و فرزندان حتی در زمان محدود، امری ضروری به شمار می‌رود. شجاعی در این خصوص معتقد است که مادران برای بهره‌برداری بهتر از زمان محدود خود، با فرزندان، نیازمند رشد فردی و توانمندسازی هستند. این پژوهشگر توضیح می‌دهد: «مادری که خسته از کار روزانه به خانه می‌رسد، به سختی می‌تواند مهر و محبت و ارزش‌های فرهنگی را به فرزند خود منتقل کند. برای اینکه یک زن بتواند این نقش را به خوبی ایفا کند، باید ابتدا رشد فردی داشته باشد.»

به گفته شجاعی، بسیاری از آسیب‌های اجتماعی مانند فرازبس طلاق، کاهش سن اعتیاد و مفاسد اخلاقی ریشه در بر هم ریختن و جابه‌جایی نقش‌های جنسیتی و تحمیل نقش‌ها و مسئولیت‌های مرحله به زنان است و افزود: «زنان وارد عرصه‌های اجتماعی شدند تا با مشارکت و همکاری در موقعیت‌های مختلف جامعه، نقش آفرینی کنند و جامعه و کشور از توانمندی‌ها و استعدادهای آنان بهره‌مند شود. اما این تحول در شرایطی رخ داد که هیچ زیرساخت مناسبی برای حمایت از نقش‌های منحصربفرد و بنیادین زنان در خانواده، مانند مادری و همسری، فراهم نشده بود و این بدهمچنان ادامه دارد. نتیجه آن، آسیب‌های اجتماعی ناشی از این فقدان و جابه‌جایی نقش هاست که فشارهای سنگین و جبران‌ناپذیری را بر خانواده‌ها تحمیل کرده است.»

شجاعی بر ضرورت فراهم نمودن زیرساخت‌های فرهنگی و قانونی برای حمایت از نقش‌های جنسیتی زنان و مردان تأکید می‌کند و خاطرنشان می‌کند که بدون این زیرساخت‌ها، نه تنها زنان بلکه کل خانواده و نهایتاً جامعه تحت‌تأثیر آسیب‌های جدی قرار خواهد گرفت.

اشاره

کوه «همستر» موش زاید

درنهایت یک هفتم مبلغ هزینه کرد یعنی ۶۰۰ دلار نصیبش شد.

هشدار جدی به کارشناسان

کارشناسان پیش از این بارها به عدم سودآوری «همستر کامبت» اشاره کرده و یادآور شده بودند نخستین پروژه کلیکی درون تلگرامی نات کوین متعلق به خود این پلتفرم بود که به سرانجام رسید و سکه‌ها در صرافی‌های دیجیتال ایرانی هم به پول تبدیل شدند.

ولی اگر این اتفاق برای نات کوین افتاد به این معنا نیست که هر پروژه دیگری با چنین مختصاتی، لزوماً امن و سودآور خواهد بود. این کارشناسان همچنین اطمینان داده بودند وقتی یک پروژه موفق می‌شود باید به نمونه‌های مشابه بعد از آن شک کرد چراکه قطعاً آن را دستاویز قرار می‌دهند و با ایجاد یک بار روانی تصمیم می‌گیرند به کاربران یادآوری کنند که این بار فرصت را غنیمت بشمارند. این کارشناسان پیش از این بارها هشدار داده بودند که «همستر کامبت» تنها با سوءاستفاده از کاربران و بدون پرداخت هیچ پولی، می خواهند یک اجتماع بزرگ ایجاد و به راحتی سرمایه‌گذار جذب کنند؛ موضوعی که حالا کاملا اثبات شده است و کاربران بسیاری سرخورده شده اند و انگشت حیرت به دهان مانده‌اند. البته جالب است بدانید که این تازه فصل اول بازی است و احتمالا جایی متوقف مانده و دید با توجه به این سوءداری اندک، بازهم کاربران در فصل دوم این بازی را دنبال می کنند یا نه؛ کاربرانی که بیشتر در کشورهای آسیایی، آسیای شرقی بویژه فیلیپین و تایلند، خاورمیانه، آفریقا و روسیه بودند و از واکنش‌های آنها در فضای مجازی می توان دریافت تا چه حد سرخورده شده اند و از سازندگان «همستر کامبت» عصبانی هستند.

علاوه بر موضوع سرخوردگی کاربرانی که در انتظار میلیون شدن بودند، پای نقض حریم کاربرانی که ماه‌ها وقت خود را هدر دادند، هزینه‌های زیادی بابت اینترنت و فیلترشکن پرداختند و گاه چند دستگاه گوشی را در گیر این بازی کردند و درنهایت به این نکته رسیدند که «پنیر مجانی تنها در تله موش پیدا می‌شود».

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایران، این روزها بسیاری از کاربران بی‌صبرانه در انتظار پاداش ماه‌ها تلاش خود برای جمع آوری سکه در بازی «همستر کامبت» بودند اما روز پنجشنبه ۵ مهرماه با اعلام قیمت هر واحد توکن همستر کامبت، عملاً این رؤیا فرو ریخت؛ رؤیایی که بیشتر به سراب شبیه بود و با تقسیم توکن‌ها و لیست شدن آنها به صورت رسمی در صرافی‌های معتبر، درنهایت هیچ پولی نصیب کسانی نشد که به‌بازی تلگرامی «همستر کامبت» دل بسته بودند.

سود ۵۰۰ هزار تومانی همستر کامبت

سرانجام قیمت همستر کمتر از یک سنت اعلام شد. هرچند این قیمت قدک هم با توسلات زیادی همراه بود؛ است به این ترتیب، متوسط پولی که به کاربران ایرانی دارای بیشترین پنتکار اختصاص یافت، بین ۵۰۰ هزارتومان تا یک و نیم میلیون تومان بوده است که در برابر ماه‌ها زحمت و هزینه اینترنت و فیلترشکن و استهلاک گوشی، رقمی بسیار ناچیز است به گونه ای که حالا دیگر بسیاری از «همستر کامبت» به عنوان بزرگترین کلاهبرداری تاریخ ایدرپال‌ها یاد می کنند. البته لازم به ذکر است که نفر اول در فهرست رده‌بندی همستر کامبت، یک ایرانی است که تنها صد میلیون توکن از بازی نصیبش شد.یکی دیگر از کاربران ایرانی که رتبه هفتم جهان را نیز کسب کرده، معترف است که ضرر هنگفتی متحمل شده است. وی با هزینه ماهانه ۷۰۰ دلار ۴۰ آدمین مخصوص تولید محتوا ایدرپال‌ها را استخدام کرد و بود که حقوق آنها در این ۶ ماه حدود ۴۲۰۰ دلار بود اما رسیدند که «پنیر مجانی تنها در تله موش پیدا می‌شود» برای داشتن درآمد بدون زحمت کشید و این قبیل تبلیغات هیچ گاه به نتیجه نرسیده است که این دومین بار آن باشد.

توکن همستر برای ۱۳۱ میلیون کاربر

تیم‌سازنده بازی همستر کامبت با انتشار جزئیات ایدرپال، توکن فصل اول خود را منتشر و فاش کرده است که ۶۰ میلیارد توکن بین کاربران واجد شرایط توزیع شده است. سازندگان این بازی در توئیتی در شبکه اجتماعی ایکس (توئیتر سابق) نوشته‌اند: ۷۵ میلیارد از مجموع ۱۰۰ میلیارد توکن همستر (HMSTR) ، برای اعضای جامعه بازی کنار گذاشته شده است.

به گفته اعضای این تیم، ۶۰ درصد از عرضه توکن در پایان فصل اول پخش خواهد شد، در حالی که ۱۵ درصد باقیمانده به فصل دوم اختصاص خواهد یافت. از ۶۰ میلیارد توکنی که در ابتدا توزیع می‌شود، کاربران واجد شرایط ۸۷/۵ درصد را بلافاصله دریافت می کنند و ۱۱/۲۵ درصد باقیمانده مشروط به یک دوره ۱۰ ماهه پس از لیست شدن توکن‌ها در صرافی‌ها است.

این به معنای این است که تقریباً ۵۳/۲۵ میلیارد توکن در دسترس برای ایدرپاف فوری است و ۶/۷۵ میلیارد آن هم بعداً منتشر می شود. این بازی میتنی بر تلگرام در ۸۱ روز اول انتشار ۲۳۹ میلیون کاربر جذب کرد و البته این« پاول دوروف»، بنیانگذار تلگرام بود که نقش این بازی را در معرفی کریپتو به تعداد زیادی از کاربران جدید برجسته کرد.

با وجودی که تعداد کل کاربران بازی از ۳۰۰ میلیون نفر هم فراتر رفته ولی به گفته تیم سازنده، تنها ۱۳۱ میلیون کاربر واجد شرایط دریافت توکن در ایدرپاف شده‌اند که این تعداد معادل ۴۳ درصد کل بازیکنان این بازی تلگرامی می شود. به گفته این گروه، ۲.۲ میلیون حساب کاربری هم به دلیل تقلب ممنوع شدند.

مکث

هم «هو» شد، هم منزوی!

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس به تازگی سخنرانی خود را در هفتاد و نهمین نشست سالانه سران دولت‌ها در مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک انجام داده است. وی با تاخیر عازم آمریکا شد و پیش از سخنرانی اش، گمانه زنی های مختلفی در مورد محورهای اصلی صحبت‌هایش مطرح می شد. با این همه، نتانیاهو در جریان سخنرانی خود، در مورد همان محورهایی مانور داد که اغلب تحلیلگران انتظارش داشتند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از الف، در این رابطه، به طور خاص توجه به ۳ نکته در رابطه با سخنرانی نتانیاهو مهم به نظر می رسد.

اول اینکه نخست وزیر صهیونیست‌ها در جای جای سخنرانی خود سعی داشت جنایات یک سال اخیر رژیم اشغالگر قدس در قالب جنگ غزه و به تازگی حمله به لبنان را سفیدشویی کند. در این رابطه، او بار دیگر این ادعای تکراری و پوچ که اسرائیل به دنبال دفاع از خود است را مطرح کرد. در عین حال، او بار دیگر ادعای تکراری مقام های ارشد اسرائیلی را در زمان هایی که به بحران دچار می شوند هم مطرح کرد و کلیه اعتراضات علیه اسرائیل و جنایات آن را القدامانی در راستای "یهودی‌ستیزی" توصیف کرد. به بیان ساده‌تر، نتانیاهو با مصاف قرار دادن رژیم اشغالگر قدس با یهودیت و نه ایدئولوژی صهیونیسم- سعی کرد از مخالفان اسرائیل و جنایاتش مشروعیت‌زدایی کند. جالب اینکه نتانیاهو در شرایطی که رژیم اشغالگر قدس موجب به شهادت رسیدن بیش از ۴۰ هزار غیرنظامی و زخمی و مفقود شدن هزاران تن دیگر در جنگ غزه شده و صدها نفر نیز در جریان تشدید تجاوزات این رژیم به لبنان به شهادت رسیده و مجروح شده‌اند از استانداردهای دوگانه و مغرضانه نهادهای بین المللی در محکوم سازی این قبیل جنایات صهیونیست‌ها صحبت کرد! البته که این جنس از موضع گیری‌ها از سوی نتانیاهو صرفا با هدف مشروعیت‌بخشی به جنایات اسرائیل صورت می گیرند.

نکته دوم اینکه همسو با برخی پیش بینی ها، نتانیاهو بار دیگر تهدیدآمیزی را علیه ایران مطرح کرد. وی تاکید کرد که به ایران این پیام را می دهد که "اگر این کشور به اسرائیل حمله کند و منافع آن را هدف قرار دهد، هیچ مکانی در ایران نیست که دست اسرائیل به آن نرسد، موضوعی که در مورد کل خاورمیانه هم صدق می کند".

این موضع گیری نتانیاهو را نیز بایستی در راستای سلسله مواضع وی ارزیابی کرد که هدف اصلی و محوری آن‌ها، احیا تصویر توام با قدرت اسرائیل در عرصه بین المللی است. صهیونیست ها به خوبی می دانند که ماجراجویی علیه ایران، صورت حساب های سنگینی را روی دست آن ها قرار خواهد داد. از این رو، نتانیاهو طبق معمول و سنت چند ساله اخیر خود که در قدرت حضور دارد، بار دیگر دست به تهدید کشورمان زد و تصاویری را نیز نشان داد که در آن ها ایران حضور داشت و ادعاهای پوچی را علیه کشورمان مطرح کرد.

نتانیاهو بارها اعلام کرده که اصلی‌ترین تهدید علیه اسرائیل را ایران می داند. از این رو، وی در سال های گذشته هر مرتبه که در نشست سالانه سازمان ملل شرکت کرده، به نحوی ویژه معطوف به ایران بوده است و موضع گیری های جدید وی علیه کشورمان هم به هیچ عنوان عجیب نبود.

در نهایت باید گفت که نتانیاهو در زمان آغاز سخنرانی خود، به نحو گسترده ای از سوی برخی حضار جلسه سازمان ملل هو شد و شمار قابل ملاحظه ای از نمایندگان کشورها نیز در زمان سخنرانی نتانیاهو سالن مجمع عمومی را در نشانه اعتراض به جنایات صهیونیست ها ترک کردند. جالب اینکه نتانیاهو به عدم حضور نماینده عربستان در جلسه مجمع عمومی نیز اشاره داشت. فردی که سال قبل و در سخنرانی پیشین نتانیاهو که قبل از حمله این رژیم به غزه انجام گرفت، در زمان سخنرانی نتانیاهو در سالن مجمع عمومی سازمان ملل حاضر شد. این موضوع نشان می دهد پروژه عادی سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی و اسلامی با بن‌بست سختی روبه رو شده و البته که در سطح بین المللی نیز ژئوای سنگینی به دشمن اسرائیلی تحمیل شده است.

چرا بعضی از دانش‌آموزان درس نمی‌خوانند؟

1. ضعف در مسائل شنیداری
2. ضعف در حافظه فعال شنیداری
3. ضعف در ادراک دیداری
4. ضعف در هماهنگی عصب و عضله

چه باید کرد؟

- تقویت مهارت‌های شناختی یا عضلانی
- مشورت با روانشناس
- پرهیز از برچسب زدن به دانش‌آموز